

معناشناسی نزول در قرآن کریم

طاهره کریمی نور^۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۲۷

تاریخ تأیید: ۹۵/۱۰/۱۵

دانش آموخته کارشناسی ارشد معارف قرآن، دانشگاه مفید

چکیده

معناشناسی، مطالعه‌ی علمی معنا و تجزیه و تحلیل گفتمان و فرایندی برای فهم و درک مفاهیم است که بررسی کاربرد آن در قرآن کریم، به شناسایی ارتباط معنایی واژگان به کار رفته منجر می‌شود. در این مقاله نگارنده ضمن اشاره به چگونگی پیدایش واژه نزول و به دست آوردن معنای وضعی و اولیه آن، سیر تطور معنایی و چگونگی استعمال آن در معانی دیگر را بررسی کرده و وجه ارتباط این معانی را با معنای اصلی بیان و تشریح نموده‌است. همچنین به کاربردهای قرآنی واژه نزول همچون: نزول باران، نزول آهن، نزول لباس و... اشاره شده و سپس به بررسی معناشناسی توصیفی نزول پرداخته شده است. با بررسی‌های به عمل آمده در قرآن کریم و کتب و مقالات، به ویژه تفاسیر معتبر موجود، کلمات وحی، ارسال، مجیء و... به عنوان واژگان جانشین و کلمات ایمان، قرآن، نور و... به عنوان واژگان هم‌نشین واژه‌ی نزول مشخص شد. همچنین واژگان متقابل نزول، شناسایی گردیدند. واژگان کلیدی: معناشناسی الفاظ قرآن، نزول، واژگان جانشین نزول، واژگان هم‌نشین نزول.

مقدمه

یکی از بخش‌های دانش زبان‌شناسی، معناشناسی زبانی است که به دنبال کشف چگونگی عملکرد ذهن انسان در درک معنا از طریق زبان است که دانشمند ژاپنی، توشیهیکو ایزوتسو، برای دستیابی به معنای اصلی واژه‌های قرآنی و کشف مراد خداوند از این روش استفاده کرده است.

در این تحقیق با الهام از رویکرد معناشناختی ایزوتسو، به تحلیل معناشناختی واژه نزول، با توجه به نظریات و دیدگاه‌های علما و مفسران پرداخته می‌شود.

سوال این است که آیا واژه نزول و مشتقات آن و همچنین کلمات هم‌نشین و جانشین آن در آیات قرآن در یک حوزه‌ی معنایی قرار می‌گیرند؟

به نظر می‌رسد واژه نزول در قرآن کریم علاوه بر معنای وضعی و اولیه به معنای دیگری نیز به کار رفته است. می‌توان با بررسی این واژه و کلمات هم‌نشین و جانشین آن،

1. Email: taherekariminoor.u@gmail.com

مشخص کرد که واژه نزول در حوزه معنایی خاصی قرار دارد و آن را به عنوان رابطه‌ای میان انسان و خدا نامید.

۱. معناشناسی

واژه‌ی «سمتیکز»^۱ به معنای معناشناسی، مطالعه‌ی علمی معنا و یا مطالعه‌ی انتقال معنا از طریق زبان است که توصیفی از پدیده‌های زبانی در چارچوب یک نظام بدون هر پیش‌انگاری است. همان طور که زبان‌شناسی مطالعه علمی زبان است، معناشناسی نیز مطالعه معناست، که این مطالعات توصیف پدیده‌های زبانی معنا به صورت همگانی است. در دوران معاصر گفتمان هرمنوتیک و بحث‌های زبان‌شناسی به معناشناسی کشیده شد که یکی از شاخه‌های معرفتی زبان‌شناسی است که به خاطر ارتباط با تفسیر متن، بالاخص تفسیر قرآن که در اصل پرده برداری از مقصود خدای تعالی و دریافت مراد و معنای حضرت حق است، مورد استقبال قرآن پژوهان قرار گرفته است (ایازی، ۱۳۸۳: ۲). ایزوتسو معناشناسی زبانی را در تفسیر قرآن به کار گرفته و اساس کارش قرار داده است. از نظر وی نیز معناشناسی مطالعه درباره‌ی کلمات کلیدی زبان به منظور شناخت جهان‌بینی قومی و وسیله‌ای برای تصور و تفسیر کردن جهانی است که آن قوم را احاطه کرده است. معناشناسی قرآن کریم نیز با این مسئله سروکار دارد که چگونه جهان هستی ساخته شده و اجزاء سازنده این جهان چیست و ارتباط آن‌ها با یکدیگر از چه قرار است (ایزوتسو، ۱۳۸۸: ۴).

۲. مفهوم‌شناسی نزول

۲-۱. بررسی لغوی نزول

لغویون واژه «نزول» را در اصل به معنای «فرود آمدن چیزی از بالا به پایین» دانسته‌اند، ولی میان بیشتر لغت‌شناسان در نوع فرود آمدن آن اختلاف است. از نظر لغوی معنای نزول در کتب مختلف به شرح زیر است:

معجم مقاییس اللغة: نزول کلمه صحیحی است که بر پایین آمدن و افتادن چیزی دلالت دارد و پایین آمدن و سقوط از مرکب (حیوان چهارپا) نزول است. وقتی کسی به حج می‌رود می‌گویند: «نزل»؛ پایین آمدن آب از آسمان نیز نزول است. جمله «الشديدة من شدائد الدهر

تنزل» نیز به سختی‌ای از سختی‌های روزگار که بر انسان وارد می‌شود، گفته می‌شود و آنچه برای میهمان آماده می‌کنند با واژه «النُّزُل» می‌آورند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۴۱۷/۵).

مفردات راغب: نُزُول در اصل فرو افتادن از بلندی است، و فعل «أَنْزَلَهُ» متعدی این واژه است، یعنی او را فرود آورد. در این کتاب شعری آمده که «نازله» از ریشه نزل را به معنای «او خواهد آمد» معنا می‌کند (شعر از عامر بن طفیل است):

ا نازله اسماء ام غیر نازله ایبنی لنا یا اسم ما انت فاعله!؟

آیا اسماء به دیدن من خواهد آمد یا نخواهد آمد، ای اسماء آیا میان ما جدائی هست که به آن عمل کرده‌ای؟ (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۳۲۱/۴).

لسان العرب: نزول به معنای فرارسیدن و پایین آمدن است، «النُّزُول: الحُلُول». در حدیثی که ابن منظور آورده «ینزل» به معنای فرود آوردن و فرستادن است (ابن منظور، ۱۳۸۱: ۶۵۷/۱۱).
التحقیق فی کلمات القرآن: اصل اولیه و واحد در ماده «نزل»، افتادن چیزی از بالا به پایین است که طبعاً در مرتبه بالا باید باشد، چه آن شیء مادی باشد و چه معنوی. در واژه نزول نظر در جهت ابتدای نزول است نه انتهای آن که مورد نظر در واژه هبوط می‌باشد. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۸۸).

پس از تتبع نظریات این بزرگان، نظر مرحوم مصطفوی محکم‌تر دیده می‌شود با این بیان که نزول را افتادن چیزی از مرتبه بالا به پایین هم در موارد مادی و هم معنوی می‌توان معنا کرد. بعد از جستجو در کتاب‌های لغت، به کاربردهای این واژه در قرآن کریم می‌پردازیم.

۲-۲. کاربرد واژه نزول در قرآن کریم

ماده‌ی نزول و مشتقات آن از ریشه «نزل» ۲۹۳ مرتبه در کل قرآن مجید، در ۲۵۷ آیه از ۶۰ سوره این کتاب آسمانی وجود دارد که نشان دهنده اهمیت و فراوانی این واژه در قرآن مجید است. این واژه در قرآن بیشتر به صورت فعل به کار رفته است. فعل مجرد «نَزَلَ، یَنْزِلُ» و باب‌های مزید آن «انزال، تنزیل، تَنَزَّلُ» و در ۸ مورد نیز با اسم «نُزُل» و ۱ مورد از اسم «نَزْل» استفاده شده است. تبیین و جمع بندی این آیات ما را به هدف اصلی یعنی دستیابی به معنای اصلی و مراد خداوند از واژه نزول سوق می‌دهد.

۲-۳. متعلقات نزول در قرآن

افعال ماده نزول دارای متعلقاتی است که این متعلقات همان نعمت‌هایی است که خداوند متعال بر مخلوقاتش ارزانی داشته و با نزول نعمات الهی‌اش بندگان را به حیرت واداشته است.

تیین و جمع بندی این آیات ما را به هدف اصلی یعنی دستیابی به معنای اصلی و مراد خداوند از واژه نزول سوق می‌دهد.

۱. نزول قرآن کریم: می‌توان به آیه مشهور ۱۸۵ سوره بقره استناد کرد که می‌فرماید:

«شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ...»

۲. نزول کتاب‌های آسمانی (آل عمران / ۹۳)

۳. نزول ملائکه (مؤمنون / ۲۴)

۴. نزول سکینه (اسراء / ۴۰)

۵. نزول عذاب (عنکبوت / ۳۴)

۶. نزول باران (انفال / ۱۱)

۷. نزول آهن (حدید / ۵)

۸. نزول لباس (اعراف / ۲۶)

۹. نزول انعام ثمانیه: «وَأَنْزَلْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ» (زمر / ۶)

۱۰. نزول من و سلوی (بقره / ۵۷)

۱۱. نزول خوابی آرام: «ثُمَّ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُم مِّنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِّنْكُمْ»،

«سپس بدنبال این غم و اندوه، آرامشی بر شما فرستاد». در آیه ۱۵۴ سوره مبارکه آل عمران کلمه «نعاساً» مفعول کلمه «انزل» است؛ این آرامش، بصورت خواب سبکی بود که (در شب بعد از حادثه احد) گروهی از یاران پیامبر را فرا گرفت (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴ / ۷۱).

۱۲. نزول رزق حلال و حرام: (یونس / ۵۹) تمامی اشیای محدودی که در اختیار بشر قرار

گرفته است، به طور نامحدود در خزینه الهی و نزد خدای تعالی موجود است و از آن خزینه مقداری معین بر زمین و این عالم طبیعت نازل می‌شود که خدای متعال آن را مقدر کرده است (با استناد بر آیه ۲۱ سوره مبارکه حجر) (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۰ / ۱۲۳).

بعد از ذکر متعلقات نزول در قرآن کریم به معانی مختلفی که این واژه در آیات قرآن کریم

پیدا کرده است پرداخته می‌شود.

۲-۴. معانی نزول در قرآن

واژه نزول و مشتقاتش به ۹ معنا تفسیر شده است (دامغانی، ۱۴۱۶ق: ۱ / ۱۸۷) که به

شرح زیر است:

۱- نزول به معنای قول: در آیه ۹۲ سوره مبارکه انعام آمده است: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ...»، «چه کسی ستمکارتر است از کسی که دروغی به خدا ببندد، یا بگوید: «بر من، وحی فرستاده شده»، در حالی که به او وحی نشده است و کسی که بگوید: «من نیز همانند آنچه خدا نازل کرده است، نازل می‌کنم». «من قال» در آیه به شخصی به نام «عبدالله بن سعد» برمی‌گردد که از کاتبان وحی بوده و به خدا و پیامبرش خیانت می‌کند و طرد می‌شود. او می‌گفت: مانند قول و کلام خدا من نیز می‌گویم «أنا أقول مثل قول القرآن» (ابن عاشور، ۱۴۱۴ق: ۶/۲۲۰). از این رو در مورد این شخص نیز همانند کلام خدا از واژه نزول استفاده شده است (عابدینی، ۱۳۹۳: ۹۷).

۲- نزول به معنای خلقت: نزول آهن (حدید/۵) و انعام ثمانیه (زمر، آیه ۶)، به معنای خلقت است و این به خاطر اهمیت آهن و چهارپایانی چون گوسفند و شتر و بز است که به جای واژه «خلقنا»، «آنزلنا» بکار رفته است (قرشی، ۱۴۱۲ق: ۱۱/۴۲).

۳- نزول به معنای فرو فرستادن (ق/۹).

۴- نزول به معنای بیان: خداوند در آیه ۱۰۶ سوره اسراء می‌فرماید: «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَىٰ مُكْثٍ وَنُزِّلْنَاهُ تَنْزِيلًا»، «و قرآنی که آیاتش را از هم جدا کردیم، تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی؛ و آن را بتدریج نازل کردیم.» دامغانی منظور از جمله «و نُزِّلْنَاهُ تَنْزِيلًا» را «و بیناهُ تَبْيِينًا» یعنی بیان تدریجی آیات قرآن دانسته است (دامغانی، ۱۴۱۲: ۱/۱۸۷).

۵- نزول به معنای هبوط: «وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزِلًا مُّبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ» (مؤمنون/۲۹). «و بگو: «پروردگارا! ما را در منزلگاهی پربرکت فرود آر و تو بهترین فرودآوردندگانی!» واژه «منزلا» اسم مکان است، پس فرود آمدن در منزلگاه همان هبوط است که حلول و یا داخل شدن در مکانی را نشان می‌دهد (قرشی، ۱۴۱۲ق: ۷/۱۳۶).

۶- نزول به معنای ارسال: «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلْنَا مَلَائِكَةً»، «و اگر خدا می‌خواست (پیامبری بفرستد) فرشتگانی می‌فرستاد» (مؤمنون/۲۴، ترجمه فولادوند) منظور «ارسال رسلا من ملائکه» بوده است (دامغانی، ۱۴۱۲: ۱/۱۸۷).

۷- نزول به معنای گشایش و روزی: در آیه ۲۷ شوری خداوند درباره وسعت و کمی رزق بندگان می‌فرماید: «وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنْزِلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ»، «هر گاه خداوند روزی را برای بندگانش وسعت بخشد، در زمین طغیان و

ستم می‌کنند؛ از این رو بمقداری که می‌خواهد (و مصلحت می‌داند) نازل می‌کند، که نسبت به بندگانش آگاه و بیناست!»

۸- نزول به معنای تعلیم: «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ، عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ» (شعراء/۲۶/۱۹۳-۱۹۴)، «روح الامین آن را نازل کرده است بر قلب (پاک) تو، تا از اندازکنندگان باشی.» منظور تعلیم قرآن به پیامبر از جانب جبرئیل امین است (همان: ۱/۱۸۸).

۹- نزول به معنای ثواب: در چند آیه از آیات قرآن کریم اسم مصدری «نُزِلَ» در وجه معنایی متفاوتی به نام «ثواب» یاد شده که در واقع معنایی از نزول نیست و لازمه آن را در بر دارد که پذیرایی از مهمان و یا طعام و غذایی است که برای میهمان آماده می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۳۱۹/۴)؛ ثواب نیز چیزی است که در برابر کارهای انسان به او باز می‌گردد، جزاء و پاداش هم «ثواب» نامیده شده است (همان، ج ۱، ص ۳۶۸)، در حقیقت ثواب و جزای کار نیک لازمه پذیرایی از مهمان است، می‌فرماید: «نُزُلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ» «این‌ها وسیله پذیرایی از سوی خداوند غفور و رحیم است» (فصلت/ ۳۲؛ همان).

نکته: ۱. از این نه مورد ذکر شده، وجوه معنایی «بیان، قول و تعلیم» خاص قرآن و کتب الهی است و مترادف معنایی ویژه‌ای برای آن دارد که در بقیه متعلقات نزول در قرآن کریم چنین کاربرد معنایی دیده نمی‌شود.

نکته ۲. به نظر می‌رسد دو معنای دیگر از وجوه معنایی واژه نزول، کلمه احاطه کردن و دسترسی به نداشته‌هاست، که در کتاب وجوه و نظایر دامغانی نیامده است. بنابراین نگارنده این دو واژه را نیز جزو معنای نزول قرار می‌دهد.

۱۰- نزول به معنای احاطه کردن: «فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنذِرِينَ» (توبه/۲۶/۹)، «اما هنگامی که عذاب ما در آستانه خانه‌هایشان فرود آید، اندازشدگان صبحگاه بدی خواهند داشت» علامه طباطبایی نزول عذاب به ساحت آنان را کنایه از نزول عذاب از همه طرف دانسته است، به طوری که عذاب ایشان را احاطه کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۷۲/۱۷).

۱۱- نزول به معنای دسترسی به نداشته‌ها: دکتر طهماسبی معنای نزول را این‌گونه تعبیر کرده است: «در دسترس قرار گرفتن چیزی که قبلاً فراتر از دسترس بوده است» و مثال عینی و مادی آن را با استناد به جمله‌ی «..أُنزِلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءٌ..» آورده که آسمان جایی فراتر از دسترس انسان دانسته شده است، نزول چهارپایان یا لباس به معنای آن است که این

چیزها که شاید قبلا انسان قادر به استفاده و برخورداری از آن نبود بعدها با رشد و گسترش دانش و آگاهی، در دسترس انسان قرار گرفت.

ایشان مفهوم «پایین» و «بالا» را در بُعد معنوی مفهومی فیزیکی نمی‌داند و مثال معلم تاریخی را می‌زند که برای تدریس بسیاری از مسائل پیچیده‌ی تاریخی آن را به صورتی کلی و در قالب تمثیل‌های ساده بیان کند، تا در دسترس اندیشه‌ی دانش آموز ابتدایی قرار گیرد. بعدها دانش آموز خواهد فهمید که آنچه قبلا به عنوان تاریخ ایران خوانده، بسیار ابتدایی و در سطح پایین بوده است (طهماسبی، ۱۳۹۵).

بعد از تبیین متعلقات و معانی نزول در قرآن کریم باید دانست که حقیقت و تحقق نزول نسبت به متعلقاتش به چه نحوی صورت گرفته است.

۲-۵. تحقق نزول در قرآن

تحقق نزول از دو راه معرفی می‌شود:

۱. به صورت تجافی، به این معنا که وقتی آن جسم به پایین فرود می‌آید، دیگر در جای اول نخواهد بود (احمدی، ۱۳۸۱: ص ۳۵). موارد نازل شده‌ای چون سکینه، لباس و حدید باز در علم خداوند باقی است و طبق توضیحات آینده، فقط به اندازه‌ای خاص، تجلی آن بر بندگان خدا نمود کرده است.

۲. تحقق نزول به صورت تجلی، به گونه‌ای است که در مرحله‌ی بالا تحقق دارد. در وحی، نزول به شکل دوم است. با این که حقایق قرآن در مرحله خودش تحقق پیدا کرده، به صورت لفظ در آمده، بر پیامبر متجلی می‌شود (احمدی، ۱۳۸۱: ص ۳۵). در مورد کتاب‌های آسمانی دیگر نیز که از واژه نزول استفاده شده است چنین است.

۲-۶. تطور معنایی نزول

برای تبیین معنای واژه «نزول» در دوره‌های مختلف و تطور معنایی آن به بررسی این واژه در مقطع قبل از نزول قرآن و نیز استعمال این لفظ در زمان نزول قرآن و بعد از آن تا زمان حال پرداخته می‌شود.

الف) مقطع قبل از نزول قرآن

در زمان جاهلیت و پیش از ظهور اسلام، در جزیره‌ی العرب زبان و ادبیاتی غنی وجود داشته که باعث شده است شاعران و ادیبان عرب در اجتماع از مقام و مرتبه‌ی بالایی برخوردار شوند و

با آشنایی به زبان و ادبیات عرب بتوانند با استفاده از فصاحت و بلاغت جایگاه خوبی بین مردم پیدا کنند. واژه‌ی نزول نیز در شعر برخی شاعران به چشم می‌خورد که به معانی مختلفی آمده است؛ مثلاً حسن بن ثابت تجربه شاعری خود را چنین توصیف می‌کند:

و قافية عجت بلبل رزينة تلقیت من جزالسماء نزولها

«شب هنگام بارها شعری موقر و سنگین همه جا را پرانگ کرد؛ بارها آن که از میان آسمان فرود می‌آمد، دریافت کردم.» در این جا از نظر شاعر الهامات شیطانی چنان احساس شده که از هوا یعنی بالا بر سر او فرود می‌آید. (ایزوتسو، ۱۳۸۸: ۲۱۸).

عمرو بن کلثوم نیز در اشعار خود این‌گونه آورده است:

و انزلنا البيوت بذی طلوح إلى الشامات تنفی الموعدينا

می‌گوید: «در ذی طلوح به طرف شام، چادرها را زده و به راندن تهدید کنندگان پرداختیم (دشمن را از آن جا راندیم).» (زوزنی، ۱۳۸۳: ۱۶۷).

در شعر امرء‌القیس فعل امر «أنزل» بکار رفته که «پیاده شو» و یا «فرود آی» معنا می‌شود:

تقول وقد مال الغیبط بنامعا عقرت بعیری یا امرء‌القیس فأنزل

«در حالی که کجاوه یا جل شتر تعادل ما را بهم زده بود و متمایل به زمین شده بودیم می‌گفت: پشت شتر مرا زخم کردی ای امرء‌القیس پیاده شو.» (همان، ص ۹).
پس با این توصیفات و مثال‌ها می‌بینیم که قبل از ارسال وحی استعمال لفظ نزول به معنای فرود آمدن، افتادن، فرورفتادن و همچنین وارد شدن نیز بوده است و در زبان عرب کاربرد داشته و از واژگان اصیل بوده و از واژه‌های دخیل در زبان عربی نبوده است.

ب) مقطع نزول قرآن

برای این که بدانیم در عصر نزول قرآن واژه نزول به چه معنایی در بین مردم معمول بوده است، به نمونه‌هایی از سخن اشخاصی که در آن مقطع زمانی زندگی کرده‌اند اشاره می‌شود. روایات امیرمؤمنان علی(ع) نمونه بارز این عصر است. در نهج البلاغه آمده است: «حتی نزل بهم الموعود تُردُّ عنه المعذوره» تا مرگ برآنان فرود آمد، مرگی که عذر آدمی را براندازد (نهج البلاغه، ۱۳۹۰: ۲۸۰، ۱۴۷). در روایتی از سعد بن ابی وقاص نیز چنین نقل شده است که: «چون پیامبر خدا بر «جرف» فرود آمد علی بن ابی طالب(ع) در حالی که سلاحی حمل می‌کرد بر او ملحق شد و...». (حسکانی، ۱۳۸۱: ۸۳)

ج) مقطع بعد از قرآن

گفتیم هنگامی که به سومین مرحله‌ی تکامل و تحول واژگان عربی یعنی دوره‌ی فرهنگ اسلامی می‌رسیم، با یک انشعاب و چند شاخه شدن دستگاه‌های تصویری یا همان تفکر گوناگونی که در دوره پس از قرآن به وجود آمده روبه‌رو می‌شویم؛ مانند: علم کلام، فقه، فلسفه و عرفان و... که بسیاری از کلمات کلیدی رایج در این عصر از واژگان قرآنی گرفته شده است. (ایزوتسو، ۱۳۸۸: ص ۵۱)

اما تطور معنای نزول در مقطع بعد از قرآن را بیش از همه نزد عرفا باید جستجو کرد و واژه نزول نزد عرفا بیش از دیگران معنای جدیدی یافته است. آنان صدور عالم ماسوی از ذات حق را به «نزول» تعبیر کرده‌اند و در این باره اصطلاح «قوس نزول» در برابر «قوس صعود» در آثار عرفا شهرت فراوانی دارد.

مثلاً از علامه طباطبایی سؤالی مطرح شده که در جواب، پیمودن از مرتبه والای روح و پایین آمدن این مرتبه به عالم ماده را تعبیر به قوس نزول می‌کند (طهرانی، ۲۴۱-۲۴۲).
دکتر دینانی نیز فعلیت محض و کمال مطلق را از طرفی، و ختم شدن به قوه محض و پذیرش صرف را که همان هیولای دارای قصور کمال است را، دو طرف حقیقت هستی می‌داند؛ که نور وجود از مبدأ (واجب الوجود) به مرحله هیولا نمی‌رسد مگر به طریق مرور و عبور از همه‌ی مراحل متوسط وجود؛ که آن را «قوس نزولی» می‌خوانند. (ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۰: ۳۰/۱-۳۱).
همین طور که مشاهده می‌شود، ایشان نیز مراتب پستی و زوال معنوی آدمی و گذر از انسانیت و رسیدن به مرحله‌ی هیولانی شدن را همان نزول دانسته است.

۳. واژگان جانشین «نزول» در قرآن

واژگان جانشین کلماتی هستند که امکان جایگزینی با واژه مورد بحث را دارند و با اندکی تسامح می‌توانند به جای کلمه یا عبارتی استفاده شوند؛ البته مراد الفاظی نیست که هم‌ریشه با واژه نزول باشد بلکه مراد الفاظی است که از نظر حوزه معنایی با واژه مورد نظر در یک حوزه است. در این بخش به بررسی کلمات همسو و هم حوزه واژه نزول که در قرآن به کار رفته و می‌توانند جایگزین واژه نزول شوند، می‌پردازیم.

البته هر یک از این واژگان جانشین درباره‌ی دو یا چند متعلق می‌توانند جایگزین شوند و در موردهایی از متعلقات اصلاً نمی‌توان آن را جانشین قرار داد.

۱- وحی

وحی به معنای اشاره کردن، نوشتن و رساله، الهام و کلام پنهانی و هرآنچه که به دیگری القاء می‌شود، آمده است. (ابن منظور، ۱۳۸۱: ۱۵/۳۷۹). در واقع «وحی» از واژه‌های قرآنی است که به معنای فرستادن آمده و ارتباطی تنگاتنگی با نزول دارد.

آن گاه که خداوند درباره‌ی پیامبرش می‌فرماید: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم/۴)، «و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید، آنچه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست»؛ و یا راه‌های سخن گفتن خودش را که شرح می‌دهد می‌فرماید: «وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكَلِمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بَأْذَنِهِ مَا يَشَاءُ...» (شوری/۵۱)، «هیچ بشری را نسزد که خدا با او سخن گوید، مگر از راه وحی یا از پشت حجاب غیب یا رسولی [چون فرشته] می‌فرستد»؛ پس فرشته به اذن خداوند آنچه را بخواهد می‌فرستد؛ در این دو آیه وحی چیزی جز آوردن و فرستادن نیست.

۲- ارسال

واژه «إرسال» به معنای فرستادن و رسالت یافتن (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۲/۷۳) را می‌توانیم به شش گروه که در قرآن آمده تقسیم‌بندی کنیم: پیامبران (آل عمران/۱۴۴)، فرشتگان (هود/۷۷)، باد و باران (اعراف/۵۷)، مأموران فرعون (شعراء/۵۳)، شیاطین (مریم، ۸۳). و عذاب که فرستادن بالای آسمانی در آیه ۱۶۲ سوره اعراف با کلمه «ارسلنا» آمده است، ولی در آیه ۵۹ سوره بقره ارسال این عذاب برای قوم موسی با کلمه «انزلنا» دیده می‌شود. بنابراین تنها با استناد به این دو آیه به صراحت می‌توان گفت که واژه «ارسلنا» جایگزین واژه نزول شده است.

۳- القاء و تلقی

«إلقاء» به معنای انداختن هر چیز مادی و غیر مادی و افکندن چیزی است به طوری که آن را ببینیم و «تلقى» به معنای تفهیم و اخذ کردن آمده است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۱۵۱/۴). به طور مثال در آیه ۵ سوره مزمل که خداوند به حضرت محمد(ص) وعده قول و سخن سنگینی را می‌دهد که بنا بر نظر علامه طباطبایی بدون شک قرآن مجید است، که هم از نظر محتوا و هم مفهوم آیات و مهم تراز آن از نظر تحمل آن بر قلوب و دل‌ها سنگین است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۵/۱۶۹)، می‌فرماید: «إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا»، «چرا که ما بزودی سخنی سنگین به تو القا خواهیم کرد!»

۴- مجیی

واژه «جاء» و مشتقات آن در برخی موارد هم حوزه و هم سو با واژه «نزول» است و می‌توان آن را جایگزین نزول قرار داد. برای نمونه بعضی از آیات بر اصل آمدن قرآن با عنوان مطلبی حق، بدون آن که آورنده قرآن را معرفی کرده باشد و یا کسی را که قرآن به سوی او آمده، مشخص کرده باشد دلالت دارد: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ» (اسرا/۸۱)، برخی دیگر از این آیات، بر نزول قرآن بر پیامبر گرامی (ص) دلالت دارد: «وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ»، (مائده/۴۸) و بعضی دیگر، آمدن قرآن از سوی خدا به سوی مردم را بیان می‌کند: «وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ الْهُدَى». (نجم، ۲۳) و در بعضی از این آیات تصریح شده که پیامبر قرآن را برای مردم آورده است. مانند: «قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ» (نساء/۱۷۰).

۵- ایتیان و ایتاء

اصل ماده «ایتیان» به معنای آمدن همراه با سهولت و نوعی جریان طبیعی است. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۳۰/۱). بطور مثال در آیه ۸۷ سوره مبارکه حجر می‌فرماید: «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ» «و به تحقیق به تو (پیامبر) سبع مثانی و قرآن با عظمت دادیم». منت گذاری نزول سبع المثانی (سوه حمد) بر مردم با لفظ ایتاء تعبیر شده است که به معنای بخشش و منت نهادن است (عابدینی، ۱۳۹۳: ۱۰۹).

۶- واژه وقوع

اصل این ماده به معنای نزول و استوار شدن است. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۳/۱۸۱) در دو مورد این واژه جانشین واژه نزول می‌شود:

۱. آیاتی که بیانگر وقوع عذاب و کیفر اعمال زشت انسان است، که مراد از نزول سختی و عذاب، استمرار و دوام آن است. (آیه ۷۱ سوره اعراف)
 ۲. واژه وقوع درباره مادیات و طبیعت در قرآن: (آیه ۱۷۱ سوره مبارکه اعراف و آیه ۶۵ سوره حج) در این آیات فرود آمدن کشتی و کوه با واژه «وقع» به کار رفته است که جایگزین واژه نزول شده است. (همان، ص ۱۸۲)
- وقوع عذاب با واژه وقع آمده که می‌تواند جایگزین واژه نزول شده باشد، زیرا خداوند متعال در آیه ۳۴ سوره عنکبوت فرستادن عذاب بر اهل قریه را با واژه منزلون می‌آورد:

«إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَىٰ أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ»، «ما بر اهل این شهر و آبادی به خاطر گناهانشان، عذابی از آسمان فرو خواهیم ریخت.»

۷- هیوط

این واژه از ریشه «هبط» بر انحطاط و سراشیبی دلالت دارد و هیوط همان جایی است که از آن سراشیب می‌شوند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۶/۶). چهار آیه در مورد داستان بیرون راندن حضرت آدم و حوا از بهشت به زمین در قرآن آمده (آیات ۳۶ و ۳۸ سوره بقره، آیه ۱۲۳ طه «قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا» و ۲۴ سوره اعراف) و نیز در آیه ۶۱ بقره امر به فرود آمدن قوم بنی اسرائیل در شهری است که خواستار محصولات متنوع آن بودند. حضرت موسی(ع) فرمود: «قَالَ أَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ»، «موسی گفت: «آیا غذای پست‌تر را به جای غذای بهتر انتخاب می‌کنید؟! (اکنون که چنین است، بکوشید از این بیابان) در شهری فرود آئید؛ زیرا هر چه خواستید، در آن جا برای شما هست.»

۸- خرور

خرور بر وزن عقول به معنای سقوط توأم با صداست. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۱/۵۸۸) و برای نمونه در آیه ۳۱ سوره مبارکه حج سقوط از آسمان که با همین کلمه آمده، تمثیلی برای کسانی است که برای خداوند شریک و همتایی قائل می‌شوند: «فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ»، «گویی از آسمان سقوط کرده است.»

با بررسی این آیات درمی‌یابیم که واژه خرور نیز همچون نزول به معنای فروافتادن آمده است و می‌توان آن را در برخی متعلقات همچون عذاب، جایگزین و در حوزه معنایی نزول قرار داد.

۹- سقوط

افتادن و وقوع چیزی از بالا به پایین را سقوط گویند (فیومی، ۱۴۱۴ق: ۲/۲۸۰). کاربرد این واژه به دو صورت حسی و عقلی دیده می‌شود؛ برای نمونه از متعلقات حسی واژه سقوط می‌توان به آیات ۴۴ سوره طور و ۱۸۷ سوره شعراء که عذاب افتادن سنگ از آسمان برای منکران را با لفظ «سقط» می‌آورد، استناد کرد. در این آیه: «وَمِنْهُمْ مَّنْ يَقُولُ ائِذْنِي وَلَا تَفْتِنِي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا» (توبه، آیه ۴۹). «بعضی از آنها می‌گویند: «به ما

اجازه ده (تا در جهاد شرکت نکنیم) و ما را به گناه نیفکن» آگاه باشید آنها (هم اکنون) در گناه سقوط کرده‌اند؛ به گمراهی افتادن و به گناه کشیده شدن محسوس و قابل رؤیت نیست و از معقولات به حساب می‌آید. در هر صورت این واژه را نیز می‌توان یکی از واژه‌های هم حوزه نزول دانست و جایگزین قرار داد.

بعد از بررسی واژگان جانشین نزول، در مورد واژگان جانشینی که مختص نزول قرآن آمده است، به غیر از «وحی، ارسال، القاء، ایتان و مجییء» چهار واژه‌ی دیگر وجود دارند که جزو الفاظی هستند که می‌توانند جایگزین واژه نزول باشند به طوری که متعلق نزول، قرآن کریم باشد. این واژگان عبارتند از: «تعلیم، فرض، ترتیل و قص» که جایگزین و هم حوزه با نزول قرآن و آیات الهی شده‌اند؛ که به علت عمومیت موضوع نزول و محدودیت در این پژوهش، آن‌ها را به تحقیق دیگری اختصاص می‌دهیم.

۴. واژگان همنشین نزول در قرآن کریم

واژگان زیادی در قرآن وجود دارند که به همراه لفظ نزول در آیات مبارک، ظاهر شده‌اند. این واژگان، گاه به عنوان مترادف لفظ نزول آمده‌اند و گاه، به دنبال تبیین و تشریح آثار و پیامدهای نزول بوده و گاه، مفاهیم دیگری را دنبال می‌کنند که در این بخش، مورد بررسی قرار خواهند گرفت. مجموعه‌ی واژگان این بخش، قسمت اعظم دایره‌ی معنایی لفظ نزول در قرآن کریم را شکل خواهد داد.

۱- ایمان

بیشتر لغویون این واژه را از ریشه «امن» به معنای تصدیق و تصدیق توأم با اطمینان خاطر دانسته‌اند. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۲۰۵/۱) درباره‌ی همنشینی ایمان با نزول می‌توان به آیه ۵۳ سوره مبارکه آل عمران استناد کرد که اوج اخلاص حواریون به قبول دعوت حضرت عیسی(ع) و اظهار ایمان ایشان به آنچه نازل شده بود است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵۶۴/۲). امر به تسلیم در برابر نزول آیات الهی در آیه ۴۱ بقره یکی از شاهد مثال‌های همنشینی ایمان با نزول است؛ این آیه خطاب به قوم یهود است و می‌فرماید: «وَأْمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ...»، «و به آنچه نازل کرده‌ام [قرآن] ایمان بیاورید که نشانه‌های آن، با آنچه در کتاب‌های شماست، مطابقت دارد»؛ پس قرآن مصدق آن کتاب‌هاست که نازل شده است.

بنابراین با توجه به همراهی این دو واژه، نزول قرآن و نعمات و هرآنچه که از جانب خداوند نازل شده، ممکن است موجب ایمان و تسلیمی شود که با آرامش و امنیت همراه است و نزول خود موضوعی برای ایمان باشد.

۲- کفر و طغیان

الفاظ کفر و طغیان و سرکشی مقابل ایمان قرار می‌گیرند و جزو آثار و نتایج نزول آیات الهی می‌باشند. (مائده، ۶۴/). همان طور که نزول سبب ایمان و تقویت عقیده مؤمنین و انسان‌های پاک سرشت می‌شود، سبب کفر و عناد برخی از انسان‌ها نیز می‌گردد. پس موضوع کفر و طغیان ممکن است همراه نزول قرار گیرد.

۳- رزق

در بخش متعلقات نزول دیدیم که رزق نیز جزو متعلقات نزول قرار می‌گرفت، اما در آیات بسیاری این لفظ به همراه نزول نوعی هم‌نشینی را بیان می‌کند و در جهان‌بینی قرآنی، رزق از نزد خدا و عالمی برتر نازل می‌شود (قراستی، ۱۳۸۳: ۳/ ۵۸۹).

۴- نور

«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (نور/۳۵)، به طور کلی، واژه‌ی نور در قرآن مجید، با هدایت پیوند نزدیکی دارد و خداوند نور را برای هدایت بشر در مسیرهای دنیوی و اخروی قرار داده است. نزول همراه با نور و هدایت است و نور همنشین نزولی آسمانی است.

۵- سماء

یکی از لجاجت‌ها و بی‌شرمی‌های قوم یهود که به سبب این سخن کفرآمیزشان دچار عذاب صاعقه شدند، آن بود که از پیامبر درخواست کردند تا کتابی از آسمان برای آنها نازل شود که به چشم خود آن را ببینند که در آیه ۱۵۳ سوره نساء بدان اشاره شده است: «يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تَنْزِلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ»، «اهل کتاب از تو می‌خواهند که برایشان کتابی از آسمان نازل کنی». نزول نعمات الهی از جانب پروردگار جهانیان از عالم بالا و ماوراء الطبیعت است و طبق معنای نزول از بالا به سوی ما می‌آید و همین بس که واژه نزول همراهی عمیقی با واژه سماء (آسمان) دارد.

۶- بشر

در آیه ۹۱ سوره انعام مشاهده می‌کنیم که در آن واژه بشر همنشین نزول شده است. در باب چگونگی ارتباط نزول که از عالم بالاست و بشر خاکی باید گفت برای انسان دو جنبه وجود

دارد: یکی جنبه روحانی که از روح خداوندی در کالبدش دمیده شده: «فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي»، (حجر/۳۹). «و در او از روح خود (یک روح شایسته و بزرگ) دمیدم» و دیگری جنبه‌ی جسمانی که به سبب این جنبه با حیوانات چه اهلی و چه وحشی مناسبت دارد. به سبب همین بعد جسمانی است که چند روزی در این عالم هستی زندگی می‌نماید و در ادامه به سبب همان بعد روحانی به عالم دیگر مسافرت می‌نماید و در آن جا برای همیشه باقی می‌ماند. از یک طرف بشر از خاک است و به خاک بر می‌گردد و از طرفی همین بشر از ملک خداست و به سوی او باز می‌گردد: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره/۱۵۶) خداوند رحمان هر آنچه که از عالم بالا و در خزائن رحمتش وجود دارد بر همین بشر خاکی نه بخاطر بعد جسمانی بلکه به علت بعد روحانی و خدایی‌اش به او ارزانی می‌دارد.

۷- تعقل

به نیرویی که آماده برای پذیرش علم است عقل گفته می‌شود. نیز به علم و دانشی که با آن، نیروی باطنی انسان از آن سود می‌برد «عقل» می‌گویند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۶۲۹/۲). همراهی واژه تعقل با نزول در آیه ۲ سوره یوسف نشان می‌دهد که نزول قرآن کریم که با لفظ عربی نازل شده نیاز به تعقل و تفکر دارد: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»، «ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم، شاید شما درک کنید (و بیندیشید)» هدف از نزول قرآن کریم تنها قرائت و تلاوت یا تبرک با خواندن آیات آن نیست، بلکه هدف نهایی درک است، درکی نیرومند و پر مایه که تمام وجود انسان را به سوی عمل نیک دعوت کند. (مکارم، ۱۳۷۴: ۲۹۹/۹)

۸ و ۹- حق و میزان

در آیات زیادی لفظ حق به همراه واژه نزول به کار رفته و در وصف نزول از حق استفاده شده است، می‌فرماید: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ...» (بقره، آیه ۱۷۶)، «این‌ها، به خاطر آن است که خداوند، کتاب (آسمانی) را به حق (و توأم با نشانه‌ها و دلایل روشن) نازل کرده است.»

در مورد کلمه میزان نیز برخی براین باورند که همان معنای عدل است به این علت که میزان وسیله برقراری انصاف و مساوات در بین مردم است و عدل نیز چنین است و برای تأیید حرف خود به آیه ۱۵ شوری استناد می‌کنند: «وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ»، «مأمورم در میان شما عدالت کنم». علامه طباطبایی رحمه الله ذیل آیه، مراد از میزان را دین خدا با اصول و فروع آن

و رسول خدا را مصداق تمام عیار میزان دانسته که با آن وزن دین‌داری امت به وسیله او سنجیده می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۴/۱۸). ایشان لفظ میزان را ذیل آیه ۲۵ سوره شوری نیز به همین معنا آورده است.

همنشینی نزول با واژگان حق و میزان نشان می‌دهد که خدای حکیم نعمات و رحمت و شریعتش را بی‌دلیل و عبث نازل نکرده و همه‌ی آن‌ها دارای حقیقتی است هدفمند، که تمیز دهنده حق و باطل و برقرار کننده قسط و عدالت است.

۱۰- اتباع

راغب در مفردات واژه «تبع» را به معنای پیروی از راه و روش و فرمانبری می‌داند. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱). این واژه نیز واژه نزول را همراهی می‌کند و تبعیت از نزول در آیات قرآن خود نشانه‌ای بر این همنشینی است، می‌فرماید: «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقلُونَ شَيْئًا وَ لَا يَهْتَدُونَ» (بقره/۱۷۰)، «چون به ایشان گفته شود که از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید»، گویند: نه، ما به همان راهی می‌رویم که پدرانمان می‌رفتند. حتی اگر پدرانشان ببخرد و گمراه بوده‌اند.» مراد از پیروی کردن این است که در حلال و حرام از آنچه خداوند نازل فرموده است پیروی کنید (طبرسی، ۱۳۶۰: ۱۶۲/۲).

۱۱- خزائن و تقدیر معلوم

به مکان‌هایی که چیزهای بسیاری در آن ذخیره شده و نگهداری می‌شود خزائن گفته شده است (قرشی، ۱۴۱۲ق: ۲/۲۴۰)؛ و تقدیر به معنای اندازه‌گیری و تعیین آمده است. (همان، ۵/ ۲۴۸) بحث از خزائن الهی و تقدیر در میان مفسران و اندیشمندان قرآنی بسیار گسترده است؛ بخصوص ذیل آیه‌ی ۲۱ سوره مبارکه حجر که خداوند به صراحت به آن اشاره کرده است: «وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَ مَا نُنزَلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ»، «و خزائن همه چیز، تنها نزد ماست؛ ولی ما جز به اندازه معین آن را نازل نمی‌کنیم». منظور از «خزائن خداوند» مجموعه اموری است که در عالم هستی و جهان ماده وجود دارد (طباطبایی ۱۳۷۴: ۱۲/ ۲۰۹) و در سخن امام صادق(ع) خداوند متعال به مجرد خواستن چیزی چون اراده کند، فوراً ایجاد می‌شود (بروجردی، ۱۳۶۶: ۳/۴۶۳). می‌توان این اراده الهی را در نزول نعمت‌ها و چیزهایی که خداوند متعال از خزانه غیب برای بندگانش می‌فرستد مشاهده و با عمق وجود آن را درک کرد.

خدای تعالی در جمله «عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَ مَا نُنَزِّلُهُ» این معنا را اثبات نموده که هر چیزی قبل از نزولش به این عالم خزینه‌هایی نزد او دارد و قدر را بعد از آن خزینه‌ها و همدوش نزول دانسته‌است. نتیجه این می‌شود که هر چیزی قبل از نزول مقدر به قدر و محدود به حدی نیست و در عین حال باز همان شیء است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰۸/۱۲ - ۲۱۲) پس این قدر معلوم از خزائن خداوند همیشه با نزول همراهی می‌کند و همنشین نزول است.

۱۲- حیات

مساله حیات و زندگی زمین به وسیله نزول آب باران از آسمان، در آیات متعددی از قرآن بیان شده است. نزول آب همراهی شایانی با کلمه حیات دارد؛ یعنی نزول باران از آسمان باعث حیات و زندگی موجودات و جهان هستی می‌شود و حیات از نتایج نزول نعمت‌های الهی است.

۱۳- قرآن

آیات بسیاری در قرآن درباره نزول قرآن موجود است که با لفظ نزول و همراهی واژه قرآن و به تبعیت از آن واژه کتاب آمده است. در حقیقت واژه قرآن یکی از متعلقات نزول است که در آیات متعددی آن را همراهی کرده است. واژه «عربی» نیز که صفت برای کلمه قرآن تلقی می‌شود در بسیاری از این آیات خودنمایی می‌کند که همنشین قابل توجهی برای نزول است، مثل آیه ۲ سوره یوسف که می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»، «ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم، شاید شما درک کنید (و ببینید)» و هر دو نزول را همراهی می‌کنند.

۱۴- فرح و انکار

در آیه ۳۶ سوره مبارکه رعد به عکس‌العمل متفاوت مردم در برابر نزول آیات قرآن اشاره شده است که افراد حقیقت‌جو چگونه در برابر آنچه بر پیامبر نازل می‌شد، تسلیم و خوشحال بودند و معاندان و افراد لجوج به مخالفت برمی‌خاستند و آیات الهی را منکر می‌شدند. «وَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَ مِنَ الْأَحْزَابِ مَنْ يُنْكِرُ بَعْضَهُ»، «کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده‌ایم، از آنچه بر تو نازل شده، خوشحالند؛ و بعضی از احزاب (و گروه‌ها)، قسمتی از آن را انکار می‌کنند.» پس هم فرح و خوشحالی می‌تواند دستاورد نزول باشد و هم انکار همراهی نزول را بدنبال داشته باشد.

بعد از مشخص شدن واژگان همنشین نزول، می‌توان نگاهی به واژگان و الفاظ متقابل و متخالف نزول انداخت تا شاید به مراد خود که معناشناسی نزول است بهتر دست یابیم.

۵. واژگان متقابل نزول در قرآن کریم

کلمه‌هایی که به لحاظ معنایی، در تقابل با نزول در قرآن موجود است چهار واژه صعود، رفعت، عروج و ارتقاء است که به معنای بالا بردن است و گاهی به معنای بالا بردن جاه و منزلت آمده است و برای تقرب و نزدیکی به حق تعالی انجام می‌گیرد که برخلاف واژه نزول است و برعکس و مقابل نزولی است که به معنای فرورفتادن از جانب پروردگار و پایین آمدن از آسمان‌هاست. پیروی از دستورات الهی و هرآنچه که خداوند برای هدایت بندگانش نازل فرموده است، باعث ارتقاء، عروج و بالا رفتن مقام و مرتبه انسانیت و صعود از ارتفاع بلند امتحانات سخت دنیایی شده که اتصال به بی‌نهایت را نزدیک‌تر می‌کند.

نتیجه‌گیری

واژه نزول در قرآن کریم از جمله کلمات کانونی مهمی است که توانسته است کلماتی را گرد خود جمع کند. به همین خاطر با برخی از واژه‌ها بر طبق روابط جانشینی و هم‌نشینی ارتباط معنایی پیدا کرده و حوزه معنایی جدیدی در قرآن کریم پدیدار ساخته است. در این نوشتار واژه‌های هم‌نشین نزول همانند کلمات جانشین، کشف و استخراج شد و ثابت شد همان‌طور که بازگشت کلمات جانشین به کلمه کانونی خود از مسلمات علم معناشناسی به شمار می‌رود، این مطلب در مورد کلمات هم‌نشین نیز صادق است و با خود واژه نزول ارتباط معنایی دارند. با نگاهی گذرا به معانی واژگان مترادف و هم‌حوزه با واژه‌ی «نزول»، پی به حکیمانه بودن سخن و چینش کلمات از نظر سیاق، دلالت، مضمون و محتوا می‌بریم که در اوج رسایی، فصاحت و بلاغت قرار داشته است. اتحاد معنایی کلمات، هدف‌نهایی واژگان را ترسیم می‌نماید که برای تربیت انسان کامل، به کمال کوشیده است. این واژگان در راستای مقاطع حساس زندگی بشر در جهان طبیعت، عالم برزخ و قیامت، دارای پیام است.

منابع

۱. قرآن کریم؛ ترجمه: مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه، ترجمه: علی شیروانی، قم، دفتر نشر معارف ۱۳۹۰.
۳. ابراهیمی دینانی، غلامحسین، *قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی*، تهران، موسسه مطالعات و تحقیق فرهنگی، چ دوم، ۱۳۷۰.
۴. ابن عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر و التنویر*، بیروت، موسسه التاریخ، چاپ اول، ق ۱۴۱۴.

۵. ابن فارس، احمد، *معجم المقاییس اللغة*، مصحح عبد السلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، مصحح جمال الدین میر دامادی، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع- دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۷. احمدی، حبیب الله، *پژوهشی در علوم قرآن*، قم، فاطیما، ۱۳۸۱.
۸. ایازی، سید محمد علی، «معناشناسی و رابطه آن با دانش تفسیر قرآن کریم»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ش ۲، ۱۳۸۳.
۹. ایزوتسو، توشی هیکو، *ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی- دینی در قرآن*، ترجمه فریدون بدره‌ای، انتشارات قلم، ۱۳۶۰.
۱۰. -----، *خدا و انسان در قرآن*، ترجمه احمد آرام، تهران، موسسه تحقیقات فرهنگی و زبان شناختی، ششم، ۱۳۸۸.
۱۱. حسکانی، عبدالله بن عبد الله، *سیمای امام علی(ع) در قرآن* / ترجمه شواهد التنزیل، مترجم: یعقوب جعفری، قم، اسوه، ۱۳۸۱.
۱۲. حسینی طهرانی، سیدحسین، *مهر تابان*، انتشارات باقر العلوم.
۱۳. حسینی زبیدی، محمدمر تزی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، مصحح علی هلالی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
۱۴. دامغانی، ابی عبدالله حسین بن محمد، *الوجوه والنظائر الالفاظ کتاب الله العزیز*، قاهره، جمهوری مصر، وزارت اوقاف، المجلس الاعلی للشئون الاسلامیة، لجنة احیاء التراث الاسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ قرآن*، مترجم: غلامرضا خسروی، تهران، مرتضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
۱۶. زوزنی، حسین بن احمد، *شرح معلمات سبع*، بیروت، شفق، ۱۳۸۳.
۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین، *ترجمه تفسیر المیزان*، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، *ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، مترجمان: تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰.
۱۹. طیب، سید عبد الحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران انتشارات اسلام، چ دوم، ۱۳۷۸.
۲۰. عابدینی، ناصر، «معناشناسی نزول قرآن با تأکید بر واژگان بیانگر نزول»، فصلنامه حسنا، شماره ۲۱، تابستان ۱۳۹۳.
۲۱. فیومی، أحمد بن محمد، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، قم موسسه دار الهجرة، چ دوم، ۱۴۱۴ ق.

۲۲. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چ یازدهم، ۱۳۸۳.
۲۳. قرشی بنایی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ششم ۱۴۱۲ ق.
۲۴. قریشی، سید علی اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت، چ سوم، ۱۳۷۷.
۲۵. مصباح یزدی، محمد تقی، *مجموعه کتب آموزشی معارف قرآن ۶-قرآن شناسی*، ۱۳۷۶.
۲۶. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
۲۷. مغنیه، محمد جواد، *ترجمه تفسیر کاشف*، مترجم: موسی دانش، قم موسسه بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، (وهمکاران). *تفسیر نمونه*. دارالکتب الاسلامیه. تهران، ۱۳۷۴.
۲۹. طهماسبی، علی، «نزول»، *آیین پژوهی و فرهنگ*، آدرس سایت:
<http://ali-tahmasbi.com/index.php/2016-12-13-09-59-43/197-2016-12-21-06-21-01>، تاریخ رجوع: شهریور ۱۳۹۵.